

گزارش جنگ در ضمن زندگی

در ایام سالگرد شهادت علی صیاد شیرازی مروری بر یک روایت از زندگی او داشته ایم



اهل سیاست هستیم اما مبتلا نه! شاید این طور شروع کنم بهتر باشد؛ تفکرات حاکم بر جریان سیاسی پس از انقلاب در ایران به دو دسته لیبرال ها و مردم سالارهای دینی تقسیم می شوند.

دسته اول که با اعتماد و تکیه به غرب و ایجاد نفاق همراه اند، عنوان لیبرال را برای خود انتخاب کرده و دم از آزادی می زنند. در جبهه مقابل پیروان خط امام هستند که توانمندی و قدرت داخلی را باور داشته و مردم سالاری دینی را عملی می کنند.

محصولات این دو تفکر را حتما می شناسید اما من به قید دو عنوان بسنده می کنم؛ میوه تفکر لیبرالی، ابوالحسن بنی صدر است که در مقابل همدوره و البته یکی از پیروان واقعی خط امام، علی صیاد شیرازی قرار می گیرد. تلفات و خسارت های جبران نشدنی جبهه لیبرال ها بماند برای بعد، علی الحساب دل یک دله کنید برای آشنایی با کتاب زندگینامه شهید سپهبد علی صیاد شیرازی.

علی صیاد شیرازی یکی از فرماندهان زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. جنگ برایش حکم یک بازی را داشت. حرف از اهل بودنش در اطاعت خدا هم که گزافه گویی است، برای آشنایی بیشتر با او «در کمین گل سرخ» را خواندم که روایت هایی از زندگی اوست؛ گرچه حق مطلب ادا نمی شود اما؛ کاجی به از هیچی است! محسن مومنی شریف، داستان نویس توانایی است. او مخاطب را می شناسد و با ذائقه ادبی او آشناست. اکثر آثارش هم در بین مخاطبان، محبوب است و پرفروش. او شخصیت هایی را می نویسد که باورشان دارد، به همین خاطر است که زندگینامه هایی که نوشته، جان دارند و شخصیت هایش در مقابل مخاطب، قد علم می کنند. حالا هم که نویسندگی این اثر را به عهده داشته اذعان کرده است: «این همه زندگی سپهبد صیاد شیرازی نیست بلکه ناگفته های زندگی او فراوان تر از آن است که در اینجا آمده، به خصوص این که زندگی بعد از جنگ او کتاب مستقل دیگری را می طلبد که عمدتا بر محور اخلاق و رفتار اوست و دارای درس های فراوان برای همه مقامات لشکری و کشوری و دیگر اقشار مردم است که می کوشند به عهد خود وفادار بمانند.»

یکی از ویژگی های کتاب در کمین گل سرخ این است که متن کتاب

با دو روایت نویسنده و خود شهید ارائه شده است. نویسنده در خلال روایت زندگینامه شهید، کلام خود شهید را آورده و به نوعی به آن استناد کرده است. بیشتر روایت های بیان شده از پیش از انقلاب در این اثر، از کتاب «خاطرات سپهبد شهید صیاد شیرازی» است. بخش های مربوط به کردستان و سال هایی از جنگ هم از کتاب «ناگفته های جنگ» گردآوری شده و روایت های پایانی کتاب که پایان جنگ را مطرح می کند، از کتاب «یادداشت های ویژه شهید صیاد شیرازی» انتخاب شده است.

کتاب روایتی شیرین و روان دارد و در عین حال که تحلیل هایی از زندگی شهید ارائه داده، به مسائل مهمی از دوران دفاع مقدس پرداخته است. یکی از این نکات ارزشمند کتاب این است که مخاطب با علل پیروزی در عملیات های مختلف در جنگ تحمیلی آشنا می شود. علاوه بر این نویسنده با بیان ابعاد منفی و حتی شکست های نیروهای مبارز در عملیات ها، سعی در برقراری توازن در کل کتاب را داشته است.

شاید در وهله اول و در فصول اولیه مخاطب به وجد نیاید اما با مطالعه بیشتر، چنان به جان می نشیند که نمی توان دمی از احوال روزگار صیاد غافل شود.

این کتاب در پنج بخش ارائه شده است؛ بخش اول این مجموعه دوران کودکی تا پیروزی انقلاب اسلامی را در زندگی این شهید پوشش می دهد. در این بخش علاوه بر آشنایی با دوران کودکی شهید، متوجه خواهید شد که روحیه ضد استعمار او مورثه از پدر بزرگوارشان است. این نکته را آنجا متوجه خواهید شد که: «باز هم زورش به قلمش رسید و این بار شخص شاه را مخاطب قرار داد. باز هم روحیه عشایری اش سرباز زده بود. بعد از آن که ماجرای خودش را نوشت در پایان نامه اش بی هیچ آداب و ترتیب جستی به بزرگ ارتش داران نوشت: اعلیحضرت! این ارتشی که شما به آن دل بسته اید، روسپی خانه به پادگان هایش شرف دارد.»

بخش دوم به رویدادهایی اختصاص دارد که پس از پیروزی انقلاب تا انتصاب شهید به فرماندهی نیروی زمینی ارتش، واقع شد؛ «این پایان ماجرا نبود، زیرا امتیاز طلبی ضد انقلاب و مماشات دولت موقت، باعث شد مردم ایران نخستین بهار آزادی خود را با خبرهای تلخی از کردستان و گنبد آغاز کنند و در نهایت در سایه

نویسنده:

محسن مومنی شریف

انتشارات:

سوره مهر

۳۸۴ صفحه

۳۰۰۰۰۰



این سیاست غلط، شهرهای کردستان یکی پس از دیگری سقوط کرد و فاجعه هایی مانند قتل عام مردم نرده، پاوه و... به وجود آمد و در تابستان ۵۸ نظام نوپای جمهوری اسلامی، خود را درگیر جنگ داخلی ای دید که نسخه اش در خارج از مرزها پیچیده شده بود.»

بخش سوم این کتاب روایتگر دوران فرماندهی صیاد دل ها تا عملیات مرصاد و پایان جنگ تحمیلی است؛ «به ابتکار سرهنگ صیاد، قرارگاه مشترک ارتش و سپاه برپا شد. در ابتدای جلسه سرهنگ خود قرآن خواند و سپس فرماندهان حاضر با او دعای فرج را زمزمه کردند. اکنون او به یکی از آرزوهای بزرگش دست یافته بود و به آینده این وحدت که سفارش همیشگی امام بود، بسیار خوشبین بود و نیز بسیار نگران. اما هر چه بود به خدا توکل کرد و در این راه پیشقدم شد.»

در بخش چهارم دو سال پایانی جنگ را می خوانیم و سرانجام در بخش آخر به روزهای قبل از شهادت سپهبد سفر می کنیم و از نحوه شهادتش با خبر می شویم... «علی آن شب همراه خواهر بزرگش که از دره گز آمده بود، به حرم رفت. این که در آن شب در آنجا چه گذشت و علی چه گفت و چه شنید، تنها خدا می داند و بس. اما همان شب در تهران، خیابان دیباجی، همسایگان او چند مورد رفت و آمد مشکوک دیده بودند. پیکانی در آن نیمه شب چند بار طول خیابان را پیموده بود. رفتگر شهرداری را دیده بودند که ناشیانه خیابان را جارو می کرده و حرکات و نگاه هایش غیر عادی بوده و...»

اما در مشهد، علی هنگامی از حرم برگشت که آفتاب صبح جمعه تابیده بود. او سر راهش نان سنگک و پنیر و خامه گرفته بود. مانند همیشه خودش بساط صبحانه را پهن کرده و بعد پدر و مادرش را دعوت به صبحانه کرده بود. گویی که عجله داشته باشد، سراغ بستگانش رفته بود و تا ظهر به خانه اغلب آنها سرکشیده بود. حتی آنها می گویند انگار از سرنوشت خود خبر داشته که آنها را نسبت به انجام فرایض دینی و وظایف فردی و اجتماعی شان سفارش می کرده است. سرانجام حدود ظهر به سوی تهران پرواز کرد...»

به همه اینها متن پیام رهبر انقلاب به مناسبت شهادت سپهبد صیاد شیرازی و دستنوشته خود شهید پس از رحلت امام خمینی (ره) را هم اضافه کنید.

مخاطب با مطالعه این کتاب پاسخ به سؤالات زیادی را درمی یابد و با ابعاد شخصیتی، اخلاقی و نظامی صیاد آشنا می شوند. این کتاب تا حد زیادی تعبیر «جام زهر» از سوی امام خمینی (ره) برای پذیرش قطعنامه را تفسیر خواهد کرد. با مطالعه آن متوجه خواهید شد چرا منافقین کینه علی صیاد شیرازی را به دل داشتند و چرا نقشه ترورش را بارها و بارها کشیدند.

در کمین گل سرخ، در عین روانی و شیوایی به تقریظ رهبری مزین شده است. ایشان در تقریظ خود این طور بیان کرده اند: «این نمونه جالب و بی سابقه ای است از گزارش جنگ در ضمن داستان شیرین زندگی یکی از شخصیت های آن. آن را یک سره مطالعه کردم. زیبا و هنرمندانه نوشته شده است. با بسیاری از حوادث آن کاملاً آشنایم. البته بسیاری دیگر از حوادث آن دوران و نیز مطالب بسیاری از آنچه مربوط به این شهید عزیز است ناگفته مانده است و این طبیعی است. البته برجستگی های شخصیت شهید صیاد شیرازی را در نوشته و کتاب به درستی نمی توان نشان داد. او حقا نمونه ای از یک ارتشی مؤمن و شجاع و فداکار بود. رحمت خدا بر او.»

در نهایت این را بدانید! آن چیزی که صیاد شیرازی را صیاد دل ها کرد، دوره های رنجری و سردوشی ها و درجه های فراوانش نبود. اخلاص و اخلاق و انسانیتش بود که به همه اینها اعتبار می بخشید.

